






ارائه الگوی مفهومی شناسایی ادراک عشق‌ورزی در دانشجویان مجرد

- ندا افشاریان  دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- فریبرز درتاج  * استاد گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- اسماعیل سعدی پور  استاد گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- علی دلاور  استاد گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- سید صدرالدین شریعتی  دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

بحث درباره عشق‌ورزی در ایران عموماً در چارچوب تحلیلی مبتنی بر پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌هایی که در غرب صورت گرفته تمرکز یافته است. پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی مفهومی شناسایی ادراک عشق‌ورزی دانشجویان مجرد و بر مبنای نظریه زمینه‌ای و با به‌کارگیری روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. ۳۲ دانشجو (۱۸ دختر و ۱۴ پسر)، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری گردآوری و پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها و ورود اطلاعات به نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA10، با کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. نتایج کدگذاری باز و محوری منجر به شناسایی ۱۰۳ مفهوم و ۱۶ مقوله محوری شد. همچنین، نتایج کدگذاری گزینشی نشان داد که مقوله هسته ادراک عشق‌ورزی دانشجویان است که تحت تأثیر شرایط علی (باورداشت‌های اعتقادی و مذهبی؛ جو خانواده و نظارت والدینی؛ چالش‌ها و تجارب اخلاقی) و در کنار شرایط مداخله‌گر (تحولات هویتی فردی، اجتماعی و فرهنگی؛ هویت‌سازی رسانه‌های نوین ارتباطی) و شرایط زمینه‌ای (جنسیت؛ سن؛ پایگاه

اجتماعی اقتصادی؛ تحصیلات دانشگاهی) بر بساخت عشق‌ورزی با جنس مخالف در دانشجویان مجرد در قالب راهبردهای اخلاق‌پیروی منطقی؛ خودپیروی عاطفی و خودپیروی ضداخلاقی تأثیر می‌گذارد که حاصل آن شکل‌گیری ازدواج‌های متناسب، پایدار و یا تصادفی و نامتناسب است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان نتیجه گرفت که عشق‌ورزی در بین دانشجویان مجرد، طیفی از مکانیسم‌های خودپیروی تا اخلاق‌پیروی را در پی داشته که می‌تواند کنش دانشجویان را به سمت و سویی منفی یا مثبت جهت‌دهی کند. لذا شناخت این مکانیسم‌ها می‌تواند در سیاست‌گذاری دست‌اندرکاران تربیتی کشور مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: ادراک عشق‌ورزی، دانشجویان، نظریه داده بنیاد.

مقدمه

روابط نزدیک و عاشقانه از نوع دگرجنس‌گرایانه یک برانگیختگی رشدی اجتماعی مهم در فرایند هویت‌یابی دوران نوجوانی و جوانی محسوب می‌شود (بوراک، گار، استوبرت و ویوا^۱، ۲۰۱۸؛ لین، چان، کونگ و او^۲، ۲۰۱۸) که تعین اجتماعی روزافزون آن در قالب رفتارهای نامناسب، وجهی پیچیده و چالش‌زا به این پدیده بخشیده و آن را به یکی از موضوعات اساسی در حوزه روانشناسی تربیتی و به‌ویژه روانشناسی دین تبدیل کرده است. این مسئله همچنین به دلیل اینکه به‌عنوان چارچوبی برای انتخاب شریک زندگی تعریف می‌شود (فولر^۳، ۲۰۰۷)، می‌تواند تأثیرات ساختی بر نهاد خانواده و ازدواج بگذارد و به‌مرور ساختار و کیفیت تربیتی آن را با چالش‌های جدی مواجه سازد.

عشق‌ورزی و رابطه با جنس مخالف در حوزه علوم رفتاری، یکی از سازه‌های روانشناسی و مفهومی انتزاعی به‌شمار آمده که معمولاً برای نشان دادن طیف گسترده‌ای از عواطف و احساسات انسانی از احساسات ساده لذتجویی تا غلبه و توجه غیر قابل توصیف نسبت به جنس مخالف به‌کار می‌رود (لین و همکاران، ۲۰۱۸). بر این اساس عشق را می‌توان سازه‌ای هیجانی با ماهیت روانی-اجتماعی دانست که مرکب از نیازها، تمایلات، آمال و آرزوها، کمبودها و عقده‌هاست (قناعت باجگیرانی، قنبری هاشم آبادی، ظریف، ۱۳۹۲). لکن، در مبانی دینی ما عشق به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی-قرآنی در حوزه عاطفی سبک زندگی همسران معنا می‌یابد و بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، معنوی و روحانی همسر، داشته‌های ظاهری و جسمانی را تحت تأثیر قرار داده؛ دلنشین‌تر و جذاب‌تر کرده و می‌تواند در سیر کمال انسان را به‌سوی عشق الهی رهنمون سازد (هوشنگی، امین ناچی، جمشیدی‌راد و موسایی‌پور، ۱۳۹۳). از این‌رو، عشق حالت درونی (روحی) و روانی مثبتی قلمداد شده که پیوندی عمیق و ناگسسته با عفت و پاکدامنی داشته و اساساً عشق زمانی متولد می‌شود که در کنار عفت باشد و در این صورت تعهد و وفاداری برجسته و خیانت و شهوت‌رنگ می‌بازد به‌نحوی که عاشق و معشوق، خود را تأمین‌کننده تمام نیازهای جسمی

1. Burack, Gurr, Stubbert & Weva

2. Lin, Chan, Kwong & Au

3. Fowler

و روحی یکدیگر می‌دانند و جامعه خارج از این جمع دو نفره را در رفع نیازهای خود سهمیم نمی‌کنند (مطهری، ۱۳۸۹).

بنابراین، می‌توان گفت مفهوم عشق و عشق‌ورزی بین دو جنس مخالف با رعایت شرایط فوق، در الهیات غنی دینی و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام با مقوله ازدواج پیوند خورده و بر این اساس مفهوم‌پردازی شده است، درحالی‌که در نگرش غربی، عشق‌ورزی بیشتر به صورت گونه‌ای انتخاب درآمده که کامروایی جنسی و آسایش را به‌عنوان خواسته‌های اصلی طرفین رابطه برجسته و با تضعیف عنصر تعهد، حتی ازدواج قانونی را به‌عنوان ضرورت تحقق همسری کم‌رنگ و در حال از بین بردن است (علاسوند، ۱۳۹۲)، لذا، مدل‌های عشق‌ورزی در جامعه ما که حیاتی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و دینی دارد بسیار حائز اهمیت بوده چراکه گونه‌های نامناسب آن علاوه بر اینکه پیامدهای منفی و زیان‌بار سازشی ناظر به آینده (کاهش اعتماد بین فردی در خانواده، ضعف کارآمدی خانواده، فردگرایی مفرط، ایجاد جو بدبینی و سوءظن بعد از ازدواج نسبت به همسر، افزایش طلاق، افزایش خیانت، ناسازگاری زناشویی و خانوادگی) را برای افراد در پی دارد (سان، میو، وُنْگ، تاچر و وُنْگ^۱، ۲۰۱۸؛ لی، فلورز، تاریمن، مک کارتر و ریچ، ۲۰۱۵)؛ می‌تواند افزایش سطح تنیدگی و آسیب‌های شناختی-رفتاری (اریکسون، لیندمارک، آکسیمو، حداد و بت مینا^۲، ۲۰۱۱؛ نوغانی و محمدی، ۱۳۹۵)؛ اختلال‌های هیجانی و عاطفی، میل به تنوع‌طلبی، روابط هم‌خانگی و مبتنی بر عشق سیال و برقراری رابطه با چندین نفر به‌طور هم‌زمان و یا در طول زمان (گلیک^۳، ۲۰۱۸؛ نورمی بیستی^۴، ۲۰۱۶؛ باومن، جاکوبسن و تستر^۵، ۲۰۱۴)؛ تحریف هویت (پورمحسنی کلوری، ۱۳۹۵)، روابط جنسی پیش از ازدواج، افزایش تعداد فرزندان نامشروع، عفونت‌های مقاربتی و حاملگی‌های ناخواسته (قانی، عبدالله، شریفه و نوردین^۶، ۲۰۱۴؛ وی، ون و چن^۷، ۲۰۱۲)؛

1. Sun, Miu, Wong, Tucker & Wong
2. Eriksson, Lindmark, Axemo, Haddad & Beth Maina
3. Gelik
4. Normi Binti
5. Bauman, Jacobsen & Tester
6. Ghani, Abdolla, Sharifah & Nordin
7. Wie, Wn, & Chen

گراف، ون، ورتمن، هاک و ویم^۱، ۲۰۱۱) را نیز در پی داشته باشد. از این رو فهم عوامل تأثیرگذار بر عشق‌ورزی می‌تواند از این حیث با اهمیت باشد که با شناخت واقعیت اجتماعی-تربیتی مسئله پژوهش بتوان راهبردهای عملی‌تر و عینی‌تری را در قالب سیاست‌گذاری‌های تربیتی و اقدامات تربیتی متناسب با وضعیت زد. چرا که ارائه هر راهکاری مقید به شناخت بسترها و زمینه‌های بروز پدیده است.

اگرچه عشق‌ورزی می‌تواند تحت تأثیر متغیرهای زیادی همچون سن (بونک، دایکسترا، فچناور و کنریک^۲، ۲۰۰۲)، تحصیلات (مالیکی^۳، ۲۰۰۹)، جنسیت، زیبایی و عوامل جسمانی (فلچر، کر، لی و ولنتاین^۴، ۲۰۱۴؛ به نقل از فراهانی، فاتحی زاده و اعتمادی، ۱۳۹۹)، پایگاه اجتماعی اقتصادی (سری^۵، ۲۰۱۰)، عوامل ژنتیکی (زو، پارک، بوچارد، تورگرسون، پینو-یانس، سونگ و زایتلن^۶، ۲۰۱۵؛ به نقل از فراهانی، فاتحی زاده و اعتمادی، ۱۳۹۹)، شغل (لوییز^۷، ۲۰۱۶) و مواردی از این دست باشد لکن، با مرور متون تجربی و نظری مربوط به عشق‌ورزی به نظر می‌رسد این پدیده می‌تواند تحت تأثیر سازه‌های روان‌شناختی بسیاری از جمله سبک‌های دل‌بستگی^۸ (اسپرچر^۹، ۲۰۱۳؛ رونکن^{۱۰}، ۲۰۱۲؛ پورمحسنی کلوری، ۱۳۹۵)؛ جهت‌گیری مذهبی^{۱۱} (دهقان‌تنها، آیتی و شهابی زاده؛ ۱۳۹۲؛ کابیرو و بیناس^{۱۲}، ۲۰۰۹)؛ هیجان‌های اخلاقی^{۱۳} از قبیل احساس شرم و گناه^{۱۴}

-
1. Graaf, Van Woertman, Hawk&Wim
 2. Buunk, Dijkstra, Fetchenhauer & Kenrick
 3. Maliki
 4. Fletcher, Kerr, Li & Valentine
 5. Sari
 6. Zou, Park, Burchard, Torgerson, Pino-Yanes, Song & Zaitlen
 7. Lewis
 8. Attachment Styles
 9. Sprecher
 10. Runcan
 11. Religious orientation
 12. Kabiru, & Pinas
 13. Moral Emotions
 14. Shame & Guilt

(آرسنیو، گلد و آدامز^۱؛ ۲۰۰۶؛ تانجنی، استویگ و ماشک^۲، ۲۰۰۷) و هویت مدرن^۳ (باومن، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۳، گیدنز^۴، ۱۹۹۲) نیز قرار گیرد.

مطالعات نشان داده که تعهد به یک نظام باور مذهبی و انجام اعمال و مناسک مذهبی نیز می‌تواند بر رشد هیجانات مثبت و رفتارهای سالم تأثیر بگذارد (گوا^۵، ۲۰۱۸؛ چاندی^۶، ۲۰۱۳). ثناگو (۲۰۱۳)، نشان داد که پایبندی به مذهب با گزینش الگوهای ارتباطی معیوب بین دو جنس رابطه منفی و معکوس دارد. در این زمینه مطالعه ماتینگلی، ویلسون، کلارک، بیکویت و ویدلر^۷ (۲۰۱۰)، این گزاره که افراد دیندار، تمایلی به برقراری روابط زناشویی خارج از چارچوب خانواده ندارند را تأیید کرد. برخی مطالعات نیز با تقبیح روابط عاشقانه قبل از ازدواج، عشق واقعی را مستلزم تعهد دانسته‌اند (آرین فر و پورشهریاری، ۱۳۹۶).

برخی پژوهشگران، سبک‌های دل‌بستگی، فقر عاطفی و کمبود هیجانی را عاملی مؤثر در نوع ساماندهی رابطه و تعامل با دیگران در سایر بافت‌ها دانسته‌اند (گلیک، ۲۰۱۸؛ نورمی بینی، ۲۰۱۶؛ رونکن، ۲۰۱۲؛ سفجی کرنک، اوربک و ورماس^۸، ۲۰۱۰).

همچنین، می‌توان گفت احساس شرم در بافت شکستن یک اعتماد و حمایت بین فردی گسترش می‌یابد (برونو، لتواک و آگین^۹، ۲۰۰۹). در همین راستا ارتباط بین تمایلات جنسی بی‌بندوبار و ناسازگاری روان‌شناختی همچون احساس گناه، یکی از مهمترین یافته‌های پژوهش نتو^{۱۰} (۲۰۱۵)، بوده است. در مطالعه دیگری، نشان داده شد که دختران، در مسائل جنسی بیش از پسران به هنجارهای اخلاقی پایبند هستند (اریکسون و همکاران، ۲۰۱۱؛ فیشر، وات، گارسیا و مردیث^{۱۱}، ۲۰۱۲). برخی نیز، گسترش ارتباطات و

-
1. Arsenio, Gold & Adams
 2. Tangney, Stuewig & Mashek
 3. Modern Identity
 4. Giddens
 5. Guo
 6. Chaundy
 7. Mattingly, Wilson, Clark, Bequette, & Weidler
 8. Seiffge-Krenke, Overbeek & Vermulst
 9. Bruno, Luwak & Agin
 10. Neto
 11. Fisher, Woth, Garcia & Meredith

وسایل ارتباطی جدید در قالب رسانه‌های نوین ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، گردشگری، مهاجرت، زبان انگلیسی، در معرض فیلم‌ها و موسیقی‌های غربی قرار گرفتن را بستر اصلی انتقال ارزش‌های مدرن و جهانی به جوامع مختلف دانسته که موجب انتشار شیوه‌های زندگی غربی، تغییر نظام‌های ارزشی، باورهای مذهبی، شیوه‌های رفتاری، رسوم، پوشش و تغییر روابط اجتماعی بین انسان‌ها در جوامع پیرامونی و به‌ویژه در بین افراد با پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا سبب شد است (سری، ۲۰۱۰). در این زمینه برخی پژوهش‌ها پایگاه اقتصادی افراد را در شکل‌گیری هویت مدرن و مسامحه در برقراری با جنس مخالف مؤثر دانسته‌اند (بیرد، چیروا، مکینتوش و اوزلر^۱، ۲۰۱۰؛ ژانینگ فو^۲، ۲۰۰۶). پژوهش‌های دیگر نیز نشان داده‌اند که به نمایش کشیدن رفتارهای جنسی در رسانه‌های نمایشی و نوشتاری غرب با تأثیر مستقیم بر رفتار مخاطبان در حوزه رابطه با جنس مخالف همراه بوده است (پورمحسنی کلوری، ۱۳۹۵؛ رجبی و البرزی، ۱۳۹۶).

با مرور متون تجربی مربوط به عشق‌ورزی به نظر می‌رسد به‌رغم پژوهش‌های تجربی خارجی زیادی که در این زمینه صورت گرفته است، لکن در اغلب این پژوهش‌ها متأثر از بافت فرهنگی این جوامع، حدود مرزهای دوستی با جنس مخالف به‌عنوان یک مسئله تربیتی تلقی نمی‌شود و در برخی از این مطالعات، با توجه به بهنجار تلقی کردن دوستی بین دو جنس مخالف، اینگونه روابط را دارای کارکرد مثبت (فیشر و همکاران، ۲۰۱۲؛ هاتفیلد، راپسون و مارتل^۳، ۲۰۰۷؛ فولر، ۲۰۰۷) تلقی نموده‌اند. از طرفی بیشتر مطالعات خارجی مرتبط با موضوع، متمرکز بر روابط صرفاً جنسی و پرخطر بوده‌اند (هونگ^۴، ۲۰۲۰؛ قانی و همکاران، ۲۰۱۴؛ وی و همکاران، ۲۰۱۲؛ گراف و همکاران، ۲۰۱۱). لذا مطالعات خارجی موجود در حوزه عشق‌ورزی به دلیل تفاوت بسترهای فرهنگی تربیتی با جامعه ما نمی‌تواند تبیین دقیقی از این پدیده برای پژوهشگران داخلی به دست دهد. در داخل کشور نیز، به

-
1. Baird, Chirwa, McIntosh & Ozler
 2. Xuanning Fu
 3. Hatfield, Rapson, & Martel
 4. Hung

دلیل حساسیت‌های موجود در زمینه این موضوع، انجام تحقیق با مشکل مواجه بوده و از این‌رو، شمار مطالعات موجود اندک است.

شاید یکی از دلایل این فقر پژوهشی در حوزه علوم روان‌شناختی این باشد که در بررسی پدیده‌ها و موضوعات حساس و با درجه ابهام و پیچیدگی بالا، پژوهش‌های کیفی و مبتنی بر تجربه زیسته کنشگران نسبت به پژوهش‌های کمی از کارآمدی بالاتری برخوردار باشد، حال آنکه این مهم از زاویه دید پژوهشگران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هرچند مطالعات اندکی در حوزه جامعه‌شناسی به شیوه کیفی به بررسی موضوع ازدواج و همسرگزینی پرداخته‌اند (کرمانی، اصغرپور ماسوله و برادران کاشانی، ۱۳۹۷؛ قادرزاده، محمدی و محمدی، ۱۳۹۶)، لکن این دست مطالعات پهن دامنه بوده و نتوانسته تبیین خردی از مسائل را نیز به دست دهد. از طرفی برخی مطالعات دیگر نیز دچار تقلیل‌گرایی شده و صرفاً تجربه زیسته کنشگران را تک عاملی مورد بررسی قرار داده‌اند که مطالعه قزوینه، ساروخانی و شکرپیگی (۱۳۹۸) از این دست مطالعات است؛ بنابراین، تردیدی نیست که مفهوم عشق‌ورزی به‌عنوان یک پدیده چند سطحی و پیچیده می‌تواند متأثر از سازه‌های مختلف فرهنگی، تربیتی و در ابعاد کلان، میانه و خرد قرار گیرد که نیازمند پژوهش کیفی‌اند. به‌بیان‌دیگر، گستره‌ای از شرایط و مؤلفه‌های مختلف و اثرگذار از جمله اطلاعات، تجارب تربیتی، نگرش‌ها، پیش‌داوری‌ها و ارزش‌های فردی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند فرآیند ذهنی و روانی افراد را در تفسیر و درک خود از پدیده عشق‌ورزی احاطه کرده و امکان اتخاذ راهبردهای مختلفی را در مواجهه با این پدیده برای افراد فراهم می‌آورد. این راهبردها خود می‌تواند متأثر از شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر دیگر باشد و لذا داشتن دریافتی منسجم از ادراک عشق‌ورزی، شرایط احاطه‌کننده آن، راهبردهای کنشگران اجتماعی و پیامدهای مبتنی بر اتخاذ راهبردها، مستلزم دریافت نگرشی جامع و ژرف‌نگر نسبت به این پدیده است.

بنابر آنچه اشاره شد در این پژوهش تلاش شده است تا با رویکردی کیفی به شناسایی ادراک دانشجویان از پدیده عشق‌ورزی و شرایط حاکم بر آن و نحوه بر ساخت

آن به وسیله استراتژی‌های انتخابی دانشجویان و پیامدهای آن در زندگی پرداخته شود؛ بنابراین پاسخگویی به سؤالات زیر مورد توجه این پژوهش بوده است:

۱. راهبردهای اصلی عشق‌ورزی دانشجویان مجرد چیست؟
۲. شرایط حاکم بر هر یک از راهبردهای عشق‌ورزی و پیامدهای هر یک از آنها برای دانشجویان چیست؟
۳. مدل مفهومی ادراک عشق‌ورزی دانشجویان چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش کیفی و مبتنی بر نظریه‌پردازی زمینه‌ای^۱ و با به کارگیری تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. جامعه مورد مطالعه از کلیه دانشجویان مجرد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در مقطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد که در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل شده است. روش اجرا به این شکل بود که ابتدا با شرکت کنندگان در ارتباط با هدف و چرایی تحقیق صحبت شد و پس از فهم آنان از فرآیند تحقیق، با کسانی که تمایل و رضایت در پاسخگویی به سؤالات تحقیق را داشتند، مصاحبه صورت گرفت. لازم به ذکر است از دانشجویانی که در مصاحبه مشارکت داشتند از نظر جنسیت، تنوع در نمونه‌ها وجود داشت و به منظور اعتمادسازی، مصاحبه به صورت انفرادی و در فضایی کاملاً صمیمی انجام شد. همچنین با توجه به توصیفی بودن پژوهش و رعایت اپوخه^۲ (تعلیق پیش فرض‌ها)، سؤالات بدون جهت‌گیری و تحمیل معنا (ابتدا با سؤالات کلی و بدون بار معنایی و در ادامه برای پیگیری و عمیق‌تر شدن، سؤالات جستجو کننده طبق روند مصاحبه) طراحی شد تا خود پاسخگویان، ادراک و تجربه زیسته واقعی خود را در باب مفهوم عشق‌ورزی و رابطه با جنس مخالف بیان کنند. با این وصف، معیار ورود به نمونه، تمایل دانشجویان به شرکت در مصاحبه، مجرد آنها، کسب اجازه برای ضبط صوت جلسه مصاحبه و وجود فراوانی از هر دو جنس پسر و دختر بود. همچنین حق خروج و

1. Grounded Theory

2. Epiche

کناره‌گیری مشارکت‌کنندگان از پژوهش در هر زمان دلخواه و همچنین محرمانه ماندن رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل، به رسمیت شناخته شد. بر این اساس پس از انجام دادن ۳۲ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد و همان‌گونه که در جدول ۱ مشخص است مصاحبه‌شوندگان شامل ۱۸ دختر (معادل ۵۶/۲ درصد) و ۱۴ پسر (معادل ۴۳/۸ درصد) در محدوده سنی ۱۹ تا ۳۱ سال، در مقاطع کارشناسی (۲۲ نفر معادل ۶۸/۷ درصد؛ شامل ۱۲ دختر و ۱۰ پسر) و کارشناسی ارشد (۱۰ نفر؛ معادل ۳۱/۳ درصد شامل ۶ دختر و ۴ پسر) بودند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان

کد مصاحبه‌شونده	جنسیت	سن	سطح تحصیلات	کد مصاحبه‌شونده	جنسیت	سن	سطح تحصیلات
M1	دختر	۲۳	کارشناسی	M17	دختر	۲۰	کارشناسی
M2	دختر	۲۷	کارشناسی ارشد	M18	پسر	۲۳	کارشناسی
M3	پسر	۲۲	کارشناسی	M19	دختر	۲۲	کارشناسی
M4	دختر	۱۹	کارشناسی	M20	پسر	۱۹	کارشناسی
M5	پسر	۲۶	کارشناسی ارشد	M21	دختر	۲۲	کارشناسی
M6	پسر	۲۰	کارشناسی	M22	دختر	۲۱	کارشناسی
M7	پسر	۲۱	کارشناسی	M23	پسر	۲۷	کارشناسی ارشد
M8	دختر	۲۸	کارشناسی ارشد	M24	دختر	۲۹	کارشناسی ارشد
M9	دختر	۲۵	کارشناسی ارشد	M25	دختر	۳۱	کارشناسی
M10	دختر	۲۳	کارشناسی	M26	دختر	۲۶	کارشناسی ارشد
M11	دختر	۲۱	کارشناسی	M27	پسر	۲۶	کارشناسی ارشد
M12	پسر	۲۱	کارشناسی	M28	دختر	۲۲	کارشناسی
M13	پسر	۲۴	کارشناسی	M29	پسر	۲۱	کارشناسی
M14	دختر	۲۲	کارشناسی	M30	دختر	۲۳	کارشناسی
M15	دختر	۳۰	کارشناسی ارشد	M31	پسر	۲۲	کارشناسی
M16	پسر	۲۶	کارشناسی ارشد	M32	پسر	۲۳	کارشناسی

پس از انجام مصاحبه و ضبط آن، داده‌های گردآوری شده از مصاحبه به متن تبدیل شد و بعد از ورود اطلاعات به نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA10 متن مصاحبه‌ها به روش نظریه زمینه‌ای تحلیل و بررسی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها مبتنی بر تکنیک تحلیل مقایسه مداوم اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸)، در سه مرحله کدگذاری (کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی) انجام شد.

همچنین برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از دو تکنیک متعارف و مرسوم کنترل و ارزیابی از دید پاسخگویان و مقایسه‌های تحلیلی استفاده شد. در روش اول از برخی مشارکت‌کنندگان درخواست شد تا با تجربیات و تکمیل گفته‌های خود، دقت نظر خود را تأیید کنند. در روش دوم، پس از تعیین مقوله محوری و مشخص کردن ویژگی‌ها و مقوله‌های مرتبط با آن، از ادبیات موجود به‌عنوان یک منبع داده به‌منظور مقایسه مداوم و یکپارچه شدن و غنای مفاهیم استفاده شد. ضمن اینکه درگیری طولانی مدت پژوهشگر به موضوع پژوهش (قریب به ۱۰ ماه) و دقت و توجه به اصول علمی مطالعات کیفی و ایضاً نظارت متخصصان و اساتید فعال در حوزه پژوهش کیفی (به‌عنوان نمونه، همکاران پژوهش) در فرایند کدگذاری (کدگذاری‌های مستقل از سوی محققان حاکی از اشتراک نسبی در دریافت معانی و تفسیر متن بود) نیز، بر قابلیت اعتماد نتایج این پژوهش افزوده است.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های پژوهش، در مرحله کدگذاری باز ۱۰۳ مفهوم استخراج شدند که در مرحله کدگذاری محوری در قالب ۱۶ مقوله محوری دسته‌بندی شدند که عبارت‌اند از: باورداشت‌های اعتقادی و مذهبی؛ جوّ خانواده و نظارت والدینی؛ چالش‌ها و تجارب اخلاقی؛ تحولات هویتی فردی، اجتماعی و فرهنگی؛ هویت‌سازی رسانه‌های نوین ارتباطی؛ جنسیت؛ سن؛ پایگاه اجتماعی اقتصادی؛ تحصیلات دانشگاهی؛ اخلاق‌پروی منطقی، خودپروی عاطفی؛ خودپروی ضد اخلاقی؛ پایداری/ ناپایداری ازدواج؛ ازدواج‌های متناسب/ نامتناسب. در مرحله کدگذاری انتخابی با توجه به مقولات

صدرالاشاره، یک مقوله هسته استخراج شد که مقوله هسته و اساسی پژوهش را شامل می‌شود.

ادراک عشق‌ورزی دانشجویان (مقوله هسته)

در این پژوهش، مقوله هسته عبارت است از «ادراک عشق‌ورزی دانشجویان». این مقوله به انتزاعی‌ترین شکل ممکن به پرسش‌های زمینه‌ای، تعاملی و پیامدی پاسخ می‌دهد و می‌توان مسیر رویدن آن را از دل داده‌ها و رجوع به مقولات محوری پی گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که ادراک و معنابخشی دانشجویان به پدیده عشق‌ورزی ماهیتی چند وجهی، فعال و متأثر از اطلاعات، تجارب تربیتی، نگرش‌ها، پیش‌داوری‌ها و ارزش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی آن‌هاست که موجب شده در یک فرآیند ذهنی و روانی و با پشتوانه نگرشی و بینشی اشاره شده به تفسیر و درک خود از پدیده عشق‌ورزی و تعیین حدود و کیفیت روابط با جنس مخالف پردازند. تفاسیر دانشجویان در مورد عشق‌ورزی مشتمل بر دامنه‌ای از بسته‌ترین شرایط تا بازترین شرایط بود که این فهم و تفسیر را با اتخاذ رویکردهای مواجهه‌ای و راهبردی مختلف معنا بخشیده و به عبارت دیگر به بساخت عشق‌ورزی با جنس مخالف پرداختند. این تفاسیر و ادراکات تحت تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای ملی و بومی / مدرن، فردگرایی / جمع‌گرایی، خانواده محوری و خانواده‌گریزی، نظارت‌پذیری و نظارت‌گریزی، اخلاق محوری و کنش غیراخلاقی و موارد بی‌شمار دیگری قرار داشت و نشان داد که برخلاف جوامع غربی که در آن، عشق‌ورزی دو جنس مخالف و روابط عاشقانه جنبه‌ای به مراتب فردگرایانه و مبتنی بر امیال شخصی به خود گرفته لکن در جامعه ایرانی و به لحاظ حساسیتی که در این باب وجود دارد هنوز عناصر تأثیرگذاری همچون دین‌داری، خانواده، برخی عوامل فردی همچون هیجان‌های اخلاقی شرم و گناه نقشی تنظیم‌کننده ایفا نموده و بر تفاسیر دانشجویان از عشق‌ورزی و معنابخشی آن‌ها بر این مفهوم و تجربه زیسته آن‌ها اثر دارد؛ به عبارت دیگر، اگر چه عاملیت فردی و خودپیروی در پدیده عشق‌ورزی در بین دانشجویان برجستگی دارد و رضایت طرفین بدون دخالت عوامل خارجی و یا با حداقل دخالت سرعت بیشتری یافته، لکن در سوی دیگر

طیف نیز کماکان خانواده‌ها و سایر افراد مهم در زندگی افراد نقش پر رنگی در بینش، نگرش و کنش دانشجویان در باب عشق‌ورزی، نظام‌های ارزشی و رفتاری آن‌ها و ایضاً مفهوم‌بخشی به عشق‌ورزی در قالب ازدواج و تشکیل خانواده یا خارج از آن برعهده دارند.

شرایط علی: شرایط علی شامل آن دسته از رویدادها و وقایعی است که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند یا منجر به وقوع یا توسعه یک پدیده می‌شوند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). مقولات محوری و مفاهیم مربوط به شرایط علی ناظر بر مقوله هسته (پدیده مرکزی)، در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. شرایط علی

مقولات عمده (کدگذاری محوری)	گزیده‌ای از مفاهیم (کدگذاری باز)	برخی منابع
باورداشت‌های اعتقادی و مذهبی	کفویت دینی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی	M1, M4, M6, M7, M11, M12, M17, M20, M22, M29
	اعتقاد به نظارت خداوند بر اعمال انسان‌ها	
	پیوند عشق با ایمان، تقوی، عفت و پاکدامنی	
	وفاداری و مسئولیت‌پذیری	
	تقدس ازدواج و ریسک دوستی قبل از ازدواج	
	پیوند عشق با ازدواج و تشکیل خانواده	
جو خانواده و نظارت والدینی	خانواده محوری/خانواده گزیزی نظارت فعالانه/منفعلا نه والدین بر روابط فرزندان	M5, M7, M10, M11, M14, M19, M22, M28, M31
	کیفیت روابط عاطفی و صمیمی والدین و فرزندان	
	ازهم گسیختگی / انسجام در روابط خانوادگی	

شرایط
علی

مقولات عمده (کدگذاری محوری)	گزیده‌ای از مفاهیم (کدگذاری باز)	برخی منابع
چالش‌ها و تجارب اخلاقی	تعصب/عدم تعصب خانوادگی به روابط فرزندان با جنس مخالف	
	اعتماد/عدم اعتماد والدین به روابط اجتماعی فرزندان	
	ترس از گناه و فاصله گرفتن از عقاید مذهبی خانواده	
	از بین رفتن قبح هنجارشکنی جنسی	
	ترس از دست دادن آبرو	
	به خصوص در محیط‌های کوچک	
	شرم و حیا از والدین	
	شرم از گناه در برابر خدا	
	احساس گناه و عذاب وجدان	M4, M7, M11, M12, M14, M19, M20, M22, M28, M29
	اضطراب از برملاشدن رابطه و تأثیر منفی بر زندگی آینده	
	اهمیت/کم‌رنگ شدن حجب، حیا و حجاب	
	صحبت‌های گروهی جنسیت محور و هم‌نوایی گروهی	
	شرکت در پارتی‌ها و مجالس مختلط	

باورداشت‌های اعتقادی و مذهبی: نتایج پژوهش نشان داد که هنجارهای دینی سمت‌وسو دهنده و تعیین‌کننده رفتارهای جنسی دانشجویان است و لذا شدت و ضعف باورهای اعتقادی و مذهبی می‌تواند بازدارنده یا تسهیل‌کننده و انگیزاننده برای رفتارهای عشق‌ورزی خارج از چارچوب ازدواج و تشکیل خانواده باشد. این باورها با طیفی از شدت و ضعف در هر سه راهبرد اخلاق‌پیروی منطقی؛ خودپیروی عاطفی و خودپیروی ضد اخلاقی مشاهده می‌شود.

بخشی از صحبت‌های M4 در این باره: «کسی که واقعاً برایش عفت و پاکدامنی همسر آینده‌اش مهم باشه خودش هم باید عقیف و متدین باشه».

جوّ خانواده و نظارت والدینی: سطوح حمایتی و مراقبتی والدین و عواطف بین آن‌ها با فرزندان نیز می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در ساماندهی کنش عشق‌ورزی با جنس مخالف باشد. نظارت فعالانه یا منفعلانه والدین بر رفتار عشق‌ورزی و ایضاً خانواده‌محور یا خانواده‌گریز عمل کردن فرزندان در بافت عشق‌ورزی و انتخاب همسر و میزان تعصب والدین در این خصوص، می‌تواند تضعیف‌کننده یا تشدیدکننده رفتارهای پر خطر جنسی فرزندان باشد.

بخشی از صحبت‌های M7 در این باره: «رابطه با جنس مخالف فقط در چارچوب ازدواج و تشکیل خانواده درست است و از همان ابتدا باید با اطلاع خانواده‌ها و زیر نظر مستقیم و با مشورت اونا باشه».

چالش‌ها و تجارب اخلاقی: برخی ارزش‌ها و هنجارها محور تجربه اخلاقی انسان در روابط اجتماعی هستند و این موضوع که چرا افراد در تعامل با دیگران به اصول و استانداردهای اخلاقی پایبند بوده یا نمی‌توانند پایبند باشند نیز می‌تواند تبیین‌کننده کنش عشق‌ورزی و تعامل با جنس مخالف باشد و لذا شدت و ضعف پایبندی به این اصول ارزشی نیز راهبردهای مختلف افراد در عشق‌ورزی را به همان تناسب تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بخشی از صحبت‌های M11 در این باره: «بعضی آدم‌ها اونقدر بی حیا هستن که اصلاً براشون مهم نیست هر از چند روز با یه نفر دوست باشن و توی محیط دانشگاه هم همه اونا رو ببینن».

شرایط مداخله‌گر: شرایط عام و وسیعی که شرایط علی را تحفیف یا به نحوی تغییر می‌دهند یعنی اثر یک یا چند عامل را فعال‌تر، کندتر، شدیدتر یا ضعیف‌تر می‌کنند تحت عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی می‌شوند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). از این رو، هسته

اصلی این پژوهش توسط برخی شرایط مداخله‌گر نیز احاطه شده است. این شرایط در قالب مقولات محوری به انضمام گزیده‌ای از مفاهیم در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. شرایط مداخله‌گر

مقولات عمده (کدگذاری محوری)	گزیده‌ای از مفاهیم (کدگذاری باز)	برخی منابع
تحولات هویتی فردی، اجتماعی و فرهنگی	تجربه‌های شخصی و عادی شدن روابط	
	پوشش نامناسب و آرایش‌های محرک	M5,
	کم رنگ شدن قبح رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج	M8,
	پر کردن اوقات فراغت و تفریح با ارتباط با جنس مخالف	M9,
	هویت فردگرایانه و خودمحوری در انتخاب شریک	M10,
	زندگی	M15,
	سهل شدن روابط با جوامع غربی (جهانی‌شدن) و پیروی از	M16,
	سبک زندگی و ذائقه آن‌ها	M18,
	کم رنگ شدن منزلت همسری و مادری و تمایل کمتر به	M20,
	تشکیل خانواده	M24,
	M27	
هویت‌سازی رسانه‌های نوین ارتباطی	کم رنگ شدن قدرت خانواده در مقابل قدرت رسانه‌های	M4,
	نوین ارتباطی	M7,
	اینترنت و شبکه‌های اجتماعی جدید، بستر مناسب	M8,
	دوست‌یابی	M13,
	تأثیرات ماهواره و فیلم‌های ماهواره‌ای بر نگرش افراد	M15,
	ارتباط سهل و کنترل نشده در فضای مجازی	M16,
	هویت‌سازی متکثر رسانه‌های ارتباطی	M23,
	کژکارکرد رسانه‌ها	M24,
		M25,
		M26,
	M30,	
	M32	

شرایط مداخله‌گر

تحولات هویتی فردی، اجتماعی و فرهنگی: تغییراتی که امروز در جنبه‌های خصوصی زندگی شخصی انسان‌ها ایجاد شده بستگی مستقیم به پیوندهای اجتماعی فراخ دامنه با جوامع دیگر به‌ویژه جوامع غربی دارد که مفاهیم «خود» و «جامعه» را در محیطی جهانی پیش از هرزمانی به هم وابسته کرده و با یکدیگر در حال تعامل دائمی قرار داده و منجر به تحولات عمیقی در روابط شخصی و اجتماعی افراد شده است. مجموعه این تحولات

فردیت را برجسته کرده است و لذا این تحولات بیشتر در افراد با راهبردهای خودپروی عاطفی و ضداخلاقی برجسته می‌شود. از همین روست که در زندگی امروزین، مفهوم سبک زندگی معنای خاص به خود گرفته است و برخی افراد به شدت تحت تأثیر سبک زندگی غربی و مدرن جوامع غربی قرار گرفته و مبنای شکل‌گیری و تغییر هویت آن‌ها را فراهم نموده است. این در حالی است که در راهبرد اخلاق‌مداری منطقی عمدتاً خانواده نقش مهمی در هویت‌یابی و هویت بخشی به افراد ایفای نقش می‌کند.

بخشی از صحبت‌های M۵ در این باره: «امروز دیگه کمتر کسی میتونه در محیط‌های بیرونی قرار بگیره و پوشش‌های جور واجور و آرایش‌های غلیظ دخترها رو ببینه و تحریک نشه که متقاعد بشه برای برقرری رابطه دوستی».

هویت‌سازی رسانه‌های نوین ارتباطی: با ورود به عصر اطلاعات، نقش پر رنگ رسانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی سبب شکل‌گیری «فضای مجازی» شده است که به واسطه ویژگی فریب در این فضاها و رسانه‌ها، افراد هویتی کاملاً جدید و گاهی متعارض با هویت واقعی را از خود به نمایش می‌گذارند و این موضوع دگرگونی بنیادینی را در ساختار مناسبات و ارتباطات انسانی از جمله اوقات فراغت، شیوه و سبک زندگی، الگوی تعاملات جنسی و ... به وجود می‌آورد. رونق این رسانه‌ها بیش از همه در راهبردهای خودپروی عاطفی و به ویژه ضد اخلاقی خود را نمایان می‌سازد.

بخشی از صحبت‌های M۲۳ در این باره: «این روزها ... تلفن‌های همراه و واتساپ و تلگرام و اینستاگرام شده وسیله‌ای برای سرگرمی و دوست‌یابی. اصلاً والدین خبر ندارند بچه‌هاشون توی اتاق دارن درس می‌خوانن یا با تلفن با دوست پسر یا دوست دخترشون چت میکنن».

شرایط زمینه‌ای: شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط هستند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). مقولاتی همچون جنسیت، سن، پایگاه اجتماعی اقتصادی و

تحصیلات دانشگاهی می‌تواند تسهیل‌کننده بروز عشق‌ورزی دانشجویان مبتنی بر راهبردهای اخلاق‌پروی منطقی، خود‌پروی عاطفی و خود‌پروی ضد اخلاقی باشد.

جدول ۴. شرایط زمینه‌ای

مقولات عمده (کدگذاری محوری)	گزیده‌ای از مفاهیم (کدگذاری باز)	برخی منابع
جنسیت	تفاوت کنترل اجتماعی روی پسران و دختران	M1, M2,
	تفاوت شرم و حیا بین دختران و پسران	M8,
	آزادانه‌تر عمل کردن پسران نسبت به دختران در رابطه	M10,
	با جنس مخالف	M25, M28
سن	افزایش سن ازدواج	M3, M8,
	کم‌اهمیت شدن ازدواج با افزایش سن	M17,
	کم‌اهمیت شدن همسر‌داری و بچه‌داری با افزایش سن	M18,
	به‌ویژه در دختران	M25, M28, M30
پایگاه اجتماعی اقتصادی	نقش ثروت در توسعه روابط با جنس مخالف	M5, M9,
	کسب پایگاه و درآمد از طریق ارتباط با جنس مخالف	M13,
	اولویت داشتن اشتغال و تحصیل نسبت به ازدواج	M19,
		M23, M24, M27
تحصیلات دانشگاهی	اهمیت تحصیلات نسبت به ازدواج	M2, M5,
	آشنایی و مجاورت آزادتر با جنس مخالف در دانشگاه	M8,
	فشار گروه دوستان در دانشگاه برای ارتباط با جنس مخالف	M15,
		M16,
	بالا رفتن سطح تحصیلات	M18,
	عدم کنترل محیط دانشگاه و خوابگاه دانشجویی	M24, M27, M30

شرایط زمینه‌ای

جنسیت: از آنجا که جنسیت افراد با قیود فرد نسبت به رعایت برخی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی ارتباط دارد می‌توان گفت پسران نسبت به دختران حساسیت کمتری نسبت به عقاید دیگران درباره خود نشان می‌دهند و میزان مخاطره‌ای که آنها در تخلف از

رفتارهای مرسوم اجتماعی احساس می‌کنند نسبت به دختران کمتر است. لذا در حوزه تعاملات شخصی و عاطفی نیز می‌توان گفت پسرها بی‌پروا تر از دختران عمل می‌کنند. بخشی از صحبت‌های M28 در این باره: «بعضی پسر برقراری رابطه با جنس مخالف رو برا خودشون یه نوع تفاخر می‌دونن و اونقدر بی شرم و حیا هستن که حتی جلوی مادر دختر، به دختر پیشنهاد دوستی میدن».

سن: سن، تأثیر تعیین‌کننده‌ای در زندگی فرد باقی می‌گذارد و به‌طور کلی، تجارب زندگی فرد را از زمان تولد تعیین و دوره تاریخی‌ای را که وی در آن زندگی می‌کند مشخص می‌کند و نقش‌ها و انتظارات از رفتار را تعیین می‌کند و با افزایش آن تعلقات فردی نیز دستخوش تغییر می‌شود.

بخشی از صحبت‌های M25 در این باره: «اغلب کسانی که سنشون بالا میره ترجیح می‌دن به جای ازدواج و تعهد و مسئولیت، گزینه جنسی‌شون رو خارج از چارچوب ازدواج دنبال کنن برا همین راحت‌تر و با آزادی بیشتری با این مسئله کنار میان».

پایگاه اجتماعی اقتصادی: افرادی که به دسترسی سهل‌تری به امکانات مادی، تفریحی و خوش‌گذرانی دارند، مسامحه بیشتری نسبت به سایر اقشار اجتماعی در برقراری رابطه با جنس مخالف دارند. امروزه نقش پول در ایجاد انگیزه برای برقراری روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج می‌شود. درباره زنان هم همین استقلال مالی منجر به کاهش ازدواج، تأخیر در بارداری و افزایش فعالیت جنسی آزاد می‌شود. به‌طور کلی، پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا، به افراد آزادی بیشتری در برقراری روابط با جنس مخالف در خارج از چارچوب ازدواج می‌دهد.

بخش‌هایی از صحبت‌های M27 در این باره: «بچه پولدارا با فخر فروشی معمولاً بیشتر توسط دخترا انتخاب میشن. این دوره دیگه از هر دختری بررسی اولین معیارت برا ازدواج چیه میگه پولدار باشه، خونه داشته باشه. کسی کمتر به ایمان و تدین نگاه میکنه. همه چی با ملاک مادی دیده میشه».

تحصیلات دانشگاهی: توسعه فضاهای دانشگاهی و بر هم خوردن ترکیب جنسیتی دانشجویها نسبت به گذشته و به نفع دختران، موجب شده تا موضوع ازدواج و تشکیل خانواده به بهانه تحصیل و ادامه تحصیل به تأخیر بیفتد. از طرفی حضور در دانشگاه و تداوم مواجهه دو جنس مخالف با یکدیگر به عادی شدن روابط حتی از نوع مراودات علمی منجر شده است؛ به عبارت دیگر، تحصیلات از ازدواج مهم‌تر قلمداد شده است. همچنین محیط دانشگاه به واسطه کنترل‌های رسمی و غیررسمی ضعیف‌تر نسبت به محیط خانوادگی، آزادی عمل بیشتری را به افراد برای کنش‌هایی از نوع رابطه با جنس مخالف برای افراد فراهم آورده است.

بخشی از صحبت‌های M24 در این باره: «آدم باید خیلی احمق باشه که با ازدواج دست و پای خودشو ببندد. وقتی مجردی، راحتی. مخصوصاً دخترا. کسی جلو درس خوندنشون نمیتونه بگیره».

راهبردها: انسان‌ها با وقوع هر پدیده‌ای، راهبردها و تدابیری برای پاسخ به آن پدیده در قالب عمل/تعامل^۱ از خود نشان می‌دهند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸) راهبردهایی که مصاحبه‌شوندگان در مقابل مقوله هسته (ادراک عشق‌ورزی) اتخاذ کرده‌اند در جدول ۵ گزارش شده و شامل ادراک اخلاق‌پیروی منطقی، خودپیروی عاطفی و خودپیروی ضد اخلاقی است.

جدول ۵. راهبردها

منابع	گزیده‌ای از مفاهیم (کدگذاری باز)	مقولات عمده (کدگذاری محوری)
M1, M4, M7, M10, M11, M13, M18, M19, M20, M22, M29	نظارت‌پذیری در کنش عشق‌ورزی	اخلاق‌پیروی منطقی
	خانواده‌محوری در کنش عشق‌ورزی	
	اعتقاد به اجرای تشریفات و آداب و رسوم ازدواج	
	حیا محوری در کنش عشق‌ورزی به‌ویژه در دختران	
	قیح دوستی قبل از ازدواج با جنس مخالف	
	پیوند عشق با انگیزه ازدواج و تشکیل خانواده	
	پیوند عشق با ایمان، عفت و پاک‌دامنی	
	عشق با دوام، متعهدانه و به‌دوراز خیانت	
	پایداری ازدواج	
	قیح مطرح کردن مسائل جنسی قبل از ازدواج	
M2, M3, M6, M9, M12, M14, M15, M16, M17, M21, M23, M26, M27, M30, M31, M32	اعتقاد به عشق در یک نگاه	خودپیروی عاطفی
	خودمحوری در انتخاب شریک زندگی	
	نگاه مبتنی بر تجربیات مثبت و منفی عاطفی به ازدواج	
	ازدواج بر اساس تمایلات درونی خاص طرفین	
	لزوم عشق‌ورزی به‌منظور شناخت متقابل قبل از ازدواج	
	کنش فعالانه دختران در عشق‌ورزی و انتخاب همسر	
	مشورت پسینی با والدین بعد از انتخاب	
	ازدواج مبتنی بر شهوت و عشق به‌صورت توأمان	
	عدم تعهد به رابطه	
	خودمحوری مفرط	
M5, M8, M24, M25, M28	تنوع‌طلبی و لذت‌گرایی از جنس مخالف	خودپیروی ضد اخلاقی
	عشق سطحی و مبتنی بر هیجان‌ها و انگیزه‌های جنسی	
	زودگذر	
	آزادمنشی و سهولت در برقراری رابطه و قطع آن	
	برجسته شدن ویژگی‌های ظاهری و جسمانی	
	روابط مبتنی بر دروغ (غیرواقعی بودن هویت‌ها)	
	مخفی بودن روابط	
	سست بودن روابط	
ازدواج مبتنی بر شهوت و التذاذ جنسی		

اخلاق پیروی منطقی: این نوع ادراک از عشق‌ورزی به نظارت‌پذیری (انسانی) (والدینی) و الهی، خانواده‌محوری، تعهد محوری طرفین زوجیت معطوف است به نحوی که دختران و پسرانی که در این سبک دسته‌بندی می‌شوند دوستی قبل از ازدواج را پرخطر دانسته و ایمان، عفت و پاکدامنی را مهم‌ترین مؤلفه یک زندگی متعهدانه و پایدار می‌دانند. برای این دسته از افراد رابطه دختر و پسر فقط در چارچوب ازدواج و با هدف تشکیل خانواده معنا و مفهوم می‌یابد و افراد معتقدند عشقی که پس از ازدواج بین طرفین شعله‌ور شود مانا تر و متعهدانه‌تر خواهد بود. این افراد تمامی تشریفات یک خواستگاری را با حضور فعالانه بزرگ‌ترها به‌پیش می‌برند. حیا محوری طرفین زوجیت به‌ویژه برای دختران در این سبک، پررنگ است. در این سبک طرح کردن مسائل جنسی قبل از ازدواج به‌صورت واضح و شفاف قبیح و ضد اخلاقی انگاشته می‌شود.

بخشی از صحبت‌های M13 در این باره: «عشقی که منجر به ازدواج بشه و در مسیر درست خودش سازماندهی شده باشه حتماً تو آم با آرامش روحی و روانی خواهد بود. کسی که دوست نداشته باشه به خودش خیانت کنن هرگز به طرف مقابلش خیانت نمی‌کنه».

خودپیروی عاطفی: این نوع ادراک، ویژگی عشق‌ورزی افرادی است که قائل به عشق در یک نگاه هستند. در این مدل عشق‌ورزی نظارت منفعلانه والدین و کاهش تعصبات خانوادگی نسبت به روابط فرزندان با جنس مخالف قبل از ازدواج موجب خودمحوری در انتخاب شریک زندگی را برای فرزندان به وجود آورده و به‌ویژه دختران را با کنش فعالانه‌تری نسبت به سال‌های گذشته در امر ازدواج و عشق‌ورزی پیش از ازدواج همراه کرده است. عنصر صمیمیت و لزوم شناخت متقابل قبل از ازدواج در این نوع عشق‌ورزی پررنگ بوده و افراد مبتنی بر تجربیات مثبت و منفی عاطفی به ازدواج می‌نگرند و لذا ازدواج بر اساس تمایلات درونی خاص طرفین شکل می‌گیرد و معمولاً با حمایت جدی طرفین ازدواج نیز مواجه می‌شود. این نوع ازدواج مبتنی بر شهوت و عشق به‌صورت توأمان است.

بخشی از صحبت‌های M2 در این باره: «این روزا دیگه جوون‌ها خوب و بد خودشون رو می‌فهمن. کسی که واقعاً قصد ازدواج داشته باشه میتونه راحت به طرف مقابلش بگه...؛ و حتی خانواده هم نمی‌تونه توی تصمیم اونا برای ازدواج منعی ایجاد بکنه».

خودپیروی ضد اخلاقی: افرادی که این نوع ادراک از عشق‌ورزی دارند کاملاً نظارت‌گریز و خانواده‌گریز بوده و گونه‌های نامناسب سبک زندگی و ازدواج‌های تصادفی و الگوهای هم‌باشی را نمایندگی می‌کنند. این نوع عشق‌ورزی سطحی بوده و بر پایه هیجان‌ها و انگیزه‌های جنسی عمدتاً زودگذر بنیان می‌شود. افرادی که در این الگوی عشق‌ورزی قرار می‌گیرند افرادی مسئولیت‌گریز؛ غیر متعهد به رابطه؛ و تنوع‌طلب هستند که برای آن‌ها عدم تحدید آزادی فردی و لذت‌گرایی از جنس مخالف اهمیت دارد؛ بنابراین برای این دسته از افراد ویژگی‌های ظاهری و جسمانی جنس مخالف برجسته می‌شود لذا به سهولت رابطه‌ای را شروع و عندالزوم قطع می‌کنند. روابط این افراد عمدتاً از دید عموم مخفی و در مواردی که منجر به ازدواج بشود مبتنی بر شهوت و التذاذ جنسی شکل می‌گیرد.

بخشی از صحبت‌های M24 در این باره: «فکرشو که می‌کنم می‌بینم من چقدر متنفرم از ازدواج... مگه آدم چقدر می‌خواد عمر کنه که به خودش سخت بگیره. وقتی دو طرف این رابطه رو بپذیرن به راحتی میتونن از هم جدا بشن بدون اینکه از هم ناراحت بشن و همدیگه رو لعن و نفرین کنن».

پیامدها: هر جا انجام یا عدم انجام عمل/تعامل معینی در واکنش به مسئله‌ای از سوی فرد انتخاب شود، پیامدهایی^۱ پدید می‌آید؛ به عبارت دیگر، پیامدها نتیجه یا برون‌داد کنش و واکنش هستند (اشتراوس و کورین، ۱۹۹۸). لذا اتخاذ هر یک از راهبردهای سه‌گانه فوق، پیامدهایی را در پی خواهد داشت که آثار و تبعات آن پسینی است. این پیامدها مطابق

آنچه در جدول ۶ گزارش شده شامل پایداری و ناپایداری ازدواج و شکل‌گیری ازدواج‌های متناسب و نامتناسب می‌شود.

جدول ۶. پیامدها

مقولات عمده (کدگذاری محوری)	گزیده‌ای از مفاهیم (کدگذاری باز)	برخی منابع
پایداری/ناپایداری ازدواج	نظارت فعالانه/ منفعلانه خانواده	
	خانواده محوری/خانواده‌گریزی	M1, M4, M5, M7, M9, M10, M11, M13, M17, M18, M19, M20, M22, M29
	مسئولیت‌پذیری/مسئولیت‌گریزی	
	اخلاق محوری/ خودمحوری	
	تعهد/عدم تعهد	
	وفاداری/خیانت	
	کفویت/عدم کفویت	
ازدواج‌های متناسب/ نامتناسب	آزادی در برقراری روابط متعدد	
	تنوع طلبی	M2, M3, M6, M7, M15, M18, M20, M25, M28, M29, M31
	لذت‌گرایی	
	عدم قطعیت روابط	
	ازدواج سفید و عدم تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده	
	کم‌رنگ بودن تعصب خانوادگی	

پیامدها

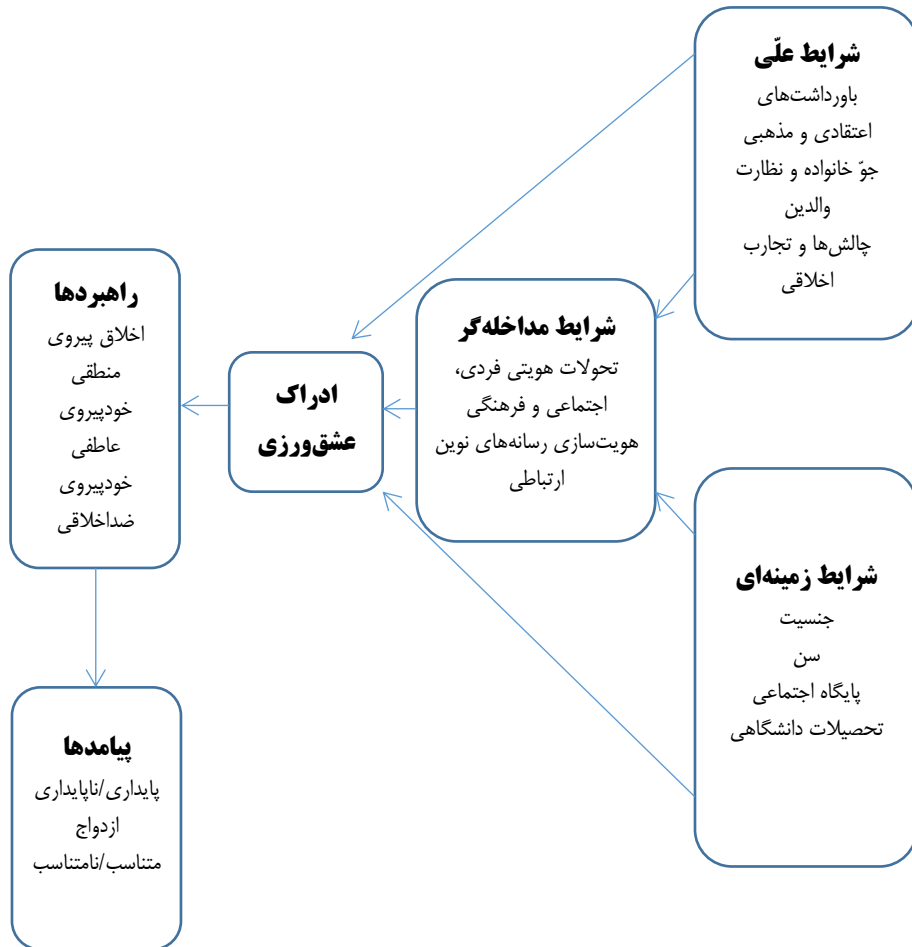
پایداری/ناپایداری ازدواج: در ادراک اخلاق‌پروی منطقی، افراد به دلایلی از جمله ریسک‌انگاری رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج، اعتماد به خانواده و اعتقاد به نظارت فعالانه آن‌ها بر فرایند عشق‌ورزی در چارچوب ازدواج و تشکیل خانواده و اولویت ملاک‌های دینی و مذهبی در انتخاب همسر، زندگی شکل‌گرفته بر این پایه را مانا تر می‌دانند. از سوی دیگر با افزایش فردگرایی در ادراکات خودپروی عاطفی و ضد اخلاقی و عدم حضور و نظارت والدینی و یا حضور و نظارت منفعلانه آن‌ها، مشکلات پسینی ازدواج قابل پیش‌بینی بوده و این‌گونه عشق‌ورزی‌ها (به‌ویژه در خودپروی ضد اخلاقی)، به شدت مستعد ناپایداری هستند.

بخشی از صحبت‌های M11 در این باره: «به نظر من عشقی که پس از عقد ازدواج بین دو طرف شکل بگیرد جذاب‌تر و ماندگارتره».

ازدواج‌های متناسب و نامتناسب: هر چه افراد در عشق‌ورزی خود محورتر عمل کنند احتمال شکل‌گیری ازدواج‌های نامتناسب و تصادفی بین آن‌ها بیشتر خواهد بود؛ به عبارت دیگر افرادی که در عشق‌ورزی فقط لذتجویی و زیبایی و اندام طرف مقابل در نظر آن‌ها برجسته می‌شود و یا افرادی که دل در گرو یک رابطه عاطفی دائمی نمی‌دهند و به اصطلاح تنوع طلب هستند، ازدواج را محدودیت و دست و پا گیر قلمداد کرده که موجب سلب آزادی آن‌ها می‌شود و لذا سبک زندگی بدون ازدواج و یا هم‌باشی را انتخاب می‌کنند.

بخش‌هایی از صحبت‌های M15 در این باره: «من تجربه خودم رو براتون می‌گم. توی دانشگاه از یه پسری خوشم اومد... وقتی به خونواده گفتم قبول نکردن ... من خیلی اصرار کردم اما موفق نشدم... منم تصمیم گرفتم هیچ وقت ازدواج نکنم و اینو به مادرم هم گفتم...».

مقولات حاصل از این پژوهش کیفی را می‌توان در مدل مفهومی زیر صورت‌بندی کرد تا بر این اساس توصیف کاملتری از پدیده مرکزی و موقوله هسته «ادراک عشق‌ورزی» برای خوانندگان به دست دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی «ادراک عشق‌ورزی»

بر اساس مدل مفهومی فوق، هسته مرکزی و مقوله اصلی مدل مفهومی، ادراک عشق‌ورزی است که تحت تأثیر شرایط علی (باورداشتهای اعتقادی و مذهبی؛ جو خانواده و نظارت والدینی؛ چالش‌ها و تجارب اخلاقی) و در کنار شرایط زمینه‌ای (جنسیت؛ سن؛ پایگاه اجتماعی اقتصادی؛ تحصیلات دانشگاهی) و مداخله‌گر (تحولات هویتی فردی، اجتماعی و فرهنگی؛ هویت‌سازی رسانه‌های نوین ارتباطی) بر راهبردها و استراتژی‌های دانشجویان مجرد (اخلاق پیروی منطقی، خودپیروی عاطفی؛ خودپیروی ضد اخلاقی) تأثیر می‌گذارد

که نتایج و پیامدهای آن عبارت خواهند بود از: پایداری/ناپایداری ازدواج و شکل‌گیری ازدواج‌های متناسب/نامتناسب.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از مطالعه کیفی عشق‌ورزی دانشجویان مجرد نشان داد که ادراک عشق‌ورزی دانشجویان بر پایه سه راهبرد اخلاق‌پروی منطقی، خودپروی عاطفی و خودپروی ضداخلاقی ساماندهی و برساخت می‌شود که این راهبردها متأثر از عواملی همچون باورداشت‌های اعتقادی و مذهبی؛ جو خانواده و نظارت والدینی و چالش‌ها و تجارب اخلاقی است؛ به عبارت دیگر، سازه مذهب و باورهای دینی به‌عنوان یکی از عوامل بالقوه مهم در سلامت روان در دانشجویان توانسته کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی آن‌ها را به لحاظ انگیزشی و بینشی و کنشی متأثر ساخته و به‌عنوان عاملی قوی در کنترل و مدیریت رفتارها و شکل‌گیری شخصیت سالم عمل کند که این موضوع می‌تواند حتی واجد ویژگی پیشگیرانه در رفتارها و تعاملات جنسی خارج از چارچوب ازدواج و تشکیل خانواده باشد. این یافته با پژوهش‌های گوا (۲۰۱۸)، چاندی (۲۰۱۳)، ثناگو (۲۰۱۳) و ماتینگلی و همکاران (۲۰۱۰) همخوان بود.

همچنین نتایج نشان داد ثبات پایین سطوح حمایتی و مراقبتی والدین و عاطفه منفی در روابط والد-فرزند نسبت به یکدیگر می‌تواند عاملی مؤثر در نوع ساماندهی رابطه و تعامل دانشجویان با جنس مخالف در بافت عشق‌ورزی باشد. از این رو، می‌توان گفت ضعف و کیفیت پایین روابط عاطفی فرزند با والدین علاوه بر اینکه موجب می‌شود تا جوانان در ارتباط با همسالان و جنس مخالف مهارت‌های اجتماعی ضعیفی نشان دهند؛ می‌تواند رفتارهای جنسی پرخطر فرزندان را تبیین کند. این یافته با نتایج پژوهشی گلیک (۲۰۱۸)، نورمی بییتی (۲۰۱۶)، اسپرچر (۲۰۱۳)، رونکن (۲۰۱۲)، سفجی کرنک، اوربک و ورماس (۲۰۱۰) و پورمحسنی کلوری (۱۳۹۵) همسو است.

یکی دیگر از عوامل علی عشق‌ورزی بر اساس یافته‌های این پژوهش، چالش‌ها و تجارب اخلاقی دانشجویان بود. این یافته نشان داد که موضوع عشق و عشق‌ورزی می‌تواند

به‌عنوان مصداقی از هیجانی که نحوه حادث شدن و تجسد اجتماعی آن نشانگر برخی نقص‌ها و یا فضیلت‌ها در شخصیت اخلاقی افراد است، مطرح باشد. برخی نظریه‌پردازان بیان می‌دارند که هیجان‌های اخلاقی محور تجربه اخلاقی انسان و محوری برای درک این موضوع هستند که چرا افراد به اصول خودشان پایبند بوده یا نمی‌توانند پایبند باشند (آرسنیو و همکاران، ۲۰۰۶). به بیان دیگر، هیجان‌های اخلاقی ممکن است به‌شدت در درک پایبندی رفتاری افراد (عدم پایبندی) آنان به استانداردهای اخلاقی مهم باشند. از این رو، یافته پژوهش حاضر را می‌توان همسو با مطالعات نتو (۲۰۱۵)، فیشر و همکاران (۲۰۱۲)، اریکسون و همکاران (۲۰۱۱) و برونو و همکاران (۲۰۰۹) دانست.

راهبردهای دانشجویان متأثر از شرایط مداخله‌گری همچون تحولات هویتی در حوزه فردی، اجتماعی و فرهنگی و ایضاً نقش پررنگ رسانه‌های نوین ارتباطی نیز بود. به‌نحوی که می‌توان گفت تغییراتی که امروز در جنبه‌های خصوصی زندگی شخصی دانشجویان (عشق‌ورزی) ایجاد شده است، بستگی مستقیم به استقرار پیوندهای اجتماعی بسیار فراخ دامنه‌ای دارد که هویت شخصی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را دستخوش تغییر قرار داده است. مسائلی از قبیل رسانه‌های نوین ارتباطی، آگاهی از سبک زندگی جوامع غربی و مواردی از این دست که می‌تواند بر تمامی ابعاد زندگی آن‌ها امتداد داشته باشد و به تعبیر گیدنز (۱۹۹۲)، حوزه روابط عاطفی افراد را با دگردیسی صمیمیت مواجه سازد. این یافته نیز تا حدودی با پژوهش پورمحسنی کلوری (۱۳۹۵) و رجبی و البرزی (۱۳۹۶) هماهنگ است.

نتایج این پژوهش ژرفانگر همچنین نشان داد که برخی مؤلفه‌های زمینه‌ای همچون جنسیت، سن، پایگاه اجتماعی اقتصادی و سطح تحصیلات می‌تواند زمینه‌ساز گرایش‌های خاصی در کنش عشق‌ورزی دانشجویان باشد. به‌نحوی که افراد مجرد با افزایش سن (همسو با مطالعه بونک و همکاران، ۲۰۰۲)، سطح درآمد (همسو با مطالعه سری، ۲۰۱۰) و تحصیلات (همسو با پژوهش مالکی، ۲۰۰۹) آمادگی ضمنی بیشتری برای پذیرش سبک و الگوی نامناسب عشق‌ورزی می‌یابند. همچنین جنسیت افراد می‌تواند تعدیل‌کننده

راهبردهای عشق‌ورزی در پیش گرفته شده توسط دانشجویان باشد که این یافته با پژوهش فیشر و همکاران (۲۰۱۲) و اریکسون و همکاران (۲۰۱۱) همسو است.

نتایج نشان داد که دانشجویان با الگوی اخلاق پیروی منطقی به شدت نظارت‌پذیر؛ خانواده‌محور، حیا‌محور و متعهد بودند که برای آن‌ها عشق‌ورزی فقط در چارچوب ازدواج و با هدف تشکیل خانواده معنا و مفهوم می‌یابد و عشق، حاصل آن چیزی است که در پس ظواهر جسمانی و زیر پا گذاشتن هنجارها و قوانین اجتماعی قرار دارد (لین و همکاران، ۲۰۱۸). برخلاف این الگو، دانشجویانی که راهبرد خودپیروی ضد اخلاقی را مبنای کنش عشق‌ورزی خود قرار می‌دهند کاملاً نظارت‌گریز، خانواده‌گریز، مسئولیت‌گریز، تنوع‌طلب و غیر متعهد و عشق‌ورزی آن‌ها عمدتاً سطحی بوده و بر پایه هیجان‌ها و انگیزه‌های جنسی زودگذر بنیان می‌شود؛ بنابراین در این نوع عشق‌ورزی، صرفاً ظاهر جسمانی شخص دیگر، از نظر جنسی تحریک‌کننده بوده و این تحریک‌کنندگی، مسائل جنسی را در شخصی که از نظر جنسی مستعد است برمی‌انگیزاند و نتیجه آن عشوه‌گری‌ها، عاشق‌پیشگی‌های سطحی و زودگذر است که طرفین رابطه همدیگر را صرفاً شریک جنسی می‌دانند و لذا این نوع ارتباط بسیار شکننده است (نتو و ویلکس، ۲۰۱۷)؛ اما افرادی که خودپیروی عاطفی را به‌عنوان راهبرد عشق‌ورزی خود برگزیده‌اند قائل به عشق در یک نگاه هستند. در این مدل عشق‌ورزی نظارت منفعلانه والدین و کاهش تعصبات خانوادگی نسبت به روابط فرزندان با جنس مخالف قبل از ازدواج موجب خودمحوری در انتخاب شریک زندگی را برای فرزندان به وجود آورده و به‌ویژه دختران را با کنش فعالانه‌تری نسبت به سال‌های گذشته در امر ازدواج و عشق‌ورزی پیش از ازدواج و به‌عبارت‌دیگر دگردیسی صمیمیت همراه کرده است (گیدنز، ۱۹۹۲). این یافته‌ها به لحاظ انطباق مفهومی تا حدودی با پژوهش قادر زاده و همکاران (۱۳۹۶) و کرمانی و همکاران (۱۳۹۷) همخوان است. نهایتاً اینکه بر اساس هر یک از الگوهای راهبردی دانشجویان در عشق‌ورزی، زندگی و ازدواج آن‌ها در آینده می‌تواند مستعد پایداری یا ناپایداری و ایضاً

شکل‌گیری گونه‌های نامتناسب همچون هم‌باشی یا گونه‌های شرعی، عرفی و قانونی ازدواج گردد.

در مجموع با توجه به نتایج این مطالعه می‌توان گفت عشق‌ورزی دانشجویان مجرد پدیده‌ای چندعاملی است نه تک‌عاملی. این عوامل سبب شده تا مواجهه آن‌ها با موضوع عشق‌ورزی، طیفی از درگیری بین مکانیسم‌های فردگرایانه و خودپیرو تا جمع‌گرایانه و اخلاق‌پیرو را در پی داشته باشد. باورهای اعتقادی و مذهبی، جو خانواده و نظارت والدینی، چالش‌های اخلاقی، تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و هویت‌ساز و تحولات هویتی جدید جزو مهم‌ترین عوامل تسهیل‌کننده و یا بازدارنده هستند که کنش عشق‌ورزی دانشجویان را جهت‌دهی می‌کنند. هرچند علی‌رغم نفوذ وسایل ارتباطی جدید و تغییرات هویتی متأثر از آن، نظارت منفعلانه برخی خانواده‌ها و ضعف در پایه‌های اعتقادی افراد برخی دانشجویان قبل از ازدواج تجربه‌ها یک فرد متأهل را در زمینه جنسی کسب می‌کنند و تبعاتی همچون افزایش سن ازدواج، شکل‌گیری سبک زندگی نامتعارف و یا عدم تمایل به ازدواج را در پی خواهد داشت لکن، باز عناصر اثربخشی در سطح فردی و میانی همچون تجارب اخلاقی و مذهبی و خانواده با نظارت فعالانه وجود دارد که می‌تواند کنش دانشجویان را به سمت و سویی مثبت جهت‌دهی کند. لذا این مهم می‌تواند در تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست دست‌اندرکاران تربیتی کشور به‌ویژه معلمان و اساتید دانشگاه و خانواده‌ها و سایر نهادهای تربیتی، فرهنگی و اثرگذار کشور در تدوین و اجرای برنامه‌ای جامع در سطوح خرد، میانی و کلان مؤثر باشد. به‌عنوان مثال با عنایت به نتایج این پژوهش ضرورت دارد زمینه بهره‌مندی جوانان از شبکه‌های ماهواره‌ای تعدیل شود؛ نسبت به آگاه‌سازی خانواده‌ها و جوانان از آثار زیان‌بار و مخاطره‌آمیز روابط نامتعارف اقدام و تمهیداتی اندیشیده شود تا نوعی حساسیت عمومی نسبت به تعین اجتماعی و عادی شدن روابط خارج از چارچوب ازدواج و بدون نظارت و حضور والدین در فضاهای عمومی تقویت شود.

به‌عنوان نمونه نقش محیط خانواده و کیفیت روابط و دل‌بستگی والد فرزند، آن‌قدر بااهمیت است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هر کودکی بر فطرت پاک و سرشت اسلام متولد می‌شود و این پدر و مادرش هستند که او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می‌گردانند» (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، به نقل از هاشمی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین این خانواده است که باید درباره روابط با جنس مخالف فرزندان خود را توجیه کند و تأکید آیات قرآن (آیاتی که دستور به اصلاح، تهذیب، ارشاد و تربیت دارد تحریم/۶؛ طه/۳۲؛ مریم/۵۵؛ ابراهیم/۴۰؛ شعراء/۲۴۰ و ...) بر این مهم شاهد مثالی مهم از تأثیر تجارب فرزند در خانواده بر رفتارهای مثبت و منفی اجتماعی اوست که باید توسط دستگاه‌های متولی و از طریق رسانه‌های گروهی و اجتماعی تبیین شود و یا در شیوه‌های تربیتی فرزندان تأکید بیشتر بر حیای ایمانی که به درک و احساس حضور و نظارت خداوند و باور انسان به حضور ناظرانی که انسان آن‌ها را نمی‌بیند وابسته است، به‌جای حیای نفسانی که جنسیت محور است به تشکیل جامعه سالم و توحید محور کمک شایانی خواهد کرد؛ به‌عبارت‌دیگر، علاوه بر اینکه زنان و دختران مکلف به رعایت عفت و حیا هستند مردان و پسران نیز به همان اندازه مستلزم رعایت هستند. قرآن کریم نمونه‌های زیادی از آثار شرم و حیا در حیطه مسائل جنسی عنوان نموده که از جمله آن‌ها می‌توان به حیای حضرت یوسف در مواجهه با درخواست زلیخا (یوسف/ ۲۳ و ۲۴)؛ حیای حضرت مریم (س) در مواجهه با نحوه بارداری (مریم/ ۱۸ و ۲۳)؛ حیای دختران شعیب در مواجهه با حضرت موسی و بالعکس (قصص/ ۲۵)؛ حیای آدم و حوا پس از رانده شدن از بهشت و نمایان شدن عورتشان (طه/ ۱۲۱)؛ اشاره کرد. همچنین، قرآن کریم رعایت شرم و حیا را توسط همه زنان و مردان ضروری دانسته و به نقش پوشیدگی (اعراف/ ۲۲؛ نور/ ۳۱؛ احزاب/ ۵۹)، ترک نگاه حرام (نور/ ۳۰ و ۳۱)، ساماندهی روابط دو جنس مخالف (قصص/ ۲۵-۲۳)، حفظ حریم کلام با نامحرم (احزاب/ ۳۲) و ارضای صحیح‌غریزه جنسی (فرقان/ ۶۸؛ نور/ ۳۳؛ یوسف/ ۲۳ و ۲۴)، به‌عنوان مؤلفه‌های شرم و حیا در کاهش آسیب‌های اخلاقی اشاره نموده است. لذا

تأکید بر این موارد و ارائه بسته‌سیاستی در حوزه تربیتی توسط نهادهای متولی امری مهم در سالم‌سازی جامعه خواهد داشت.

شایان ذکر است اگرچه پژوهشگران با طراحی سؤالات کلی و بدون جهت‌گیری و تحمیل معنا و سپس طرح سؤالات جستجوکننده و منحصر به شخص مشارکت‌کننده سعی در کاهش حساسیت به پاسخگویی مشارکت‌کنندگان در خصوص مسئله حساسی همچون عشق‌ورزی داشتند، لکن برخی ملاحظات فرهنگی ناظر بر تابوانگاری صحبت درباره مسائل شخصی همچون عشق‌ورزی و همچنین برخورداری بعضی از پاسخگویان از ویژگی‌های روان‌شناختی بازدارنده برای مصاحبه پیرامون مسئله پژوهش، جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان را دشوار و زمان‌بر ساخته بود. همچنین با توجه به پیامدهای زیان‌بار عشق‌ورزی خارج از چارچوب ازدواج که در این پژوهش در قالب سبک خودپروی ضد اخلاقی مکشوف گردید، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در پژوهش‌های آتی با استفاده از تکنیک گلوله برفی مطالعه این گروه از افراد را به‌منظور فهم عمیق‌تر از تجارب زیسته آن‌ها مد نظر قرار دهند. همچنین به پژوهشگران توصیه می‌شود به‌منظور مقایسه اطلاعات و دستیابی به غنای تجربی بیشتر، مطالعه این پژوهش را در جوامع آماری دیگر نیز صورت‌بندی کنند.

منابع

قرآن کریم.

اشتراوس، انسلم؛ کوربین، جولیت (۱۹۹۸). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.

آرین‌فر، نیره؛ پورشهاری، مه‌سیما (۱۳۹۶). مدل ساختاری پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه حوزه بریدگی و طرد و متغیر میانجی سبک‌های عشق‌ورزی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۲۹ (۱)، ۱۰۷-۱۳۴.

پورمحسنی کلوری، فرشته (۱۳۹۵). تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های دل‌بستگی و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی سبک‌های عشق‌ورزی دانشجویان. فصلنامه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۶ (۱)، ۳۲-۱۷.

دهقان‌تنها، ریحانه؛ آیتی، محسن؛ شهابی زاده، فاطمه (۱۳۹۲). کارکرد خانواده و جهت‌گیری مذهبی؛ ارائه الگوهای نگرش به ارتباط پیش از ازدواج و پیامدهای آن در دانشجویان دارای ارتباط و بدون ارتباط با جنس مخالف. روانشناسی دین، ۶ (۳)، ۹۵-۸۱.

رجبی، ماهرخ؛ البرزی، صدیقه (۱۳۹۶). نگاهی جامعه‌شناختی به رابطه تماشای ماهواره و دوستی با جنس مخالف. دوفصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، ۲ (۴)، ۱۵-۱.

علاسوند، فریبا (۱۳۹۲). زن در اسلام. چاپ سوم، تهران: نشر هاجر طوسی.

فراهانی شهراپی، لیلا؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ اعتمادی، عذرا (۱۳۹۹). م‌لاک‌های انتخاب همسر در معلمان دختر در آستانه ازدواج (پژوهش کیفی). فصلنامه خانواده و پژوهش، ۴۸ (۳)، ۶۷-۸۷.

۸۷

قادرزاده، امید؛ محمدی، فردین؛ محمدی، حسین (۱۳۹۶). جوانان و روابط پیش از ازدواج. مطالعه

کیفی زمینه‌ها، تعاملات و پیامدهای آن. راهبرد فرهنگ، ۳۸ (۲)، ۴۰-۷.

قزوینه، ژیللا؛ ساروخانی، باقر؛ شکرپیگی، عالیه (۱۳۹۸). پدیدارشناسی مناسک دینی خانوادگی و تأثیر آن بر مناسبات اجتماعی زوجین و خانواده‌ها در میان سه‌گونه همسرگزینی. فصلنامه

فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، سال چهاردهم، ۴۸ (۳)، ۷۱-۹۶.

قناعت باجگیرانی، سونه؛ قنبری هاشم‌آبادی، بهرامعلی؛ ظریف، فرزانه (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان تمایز یافتگی خود و سبک‌های عشق‌ورزی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال چهارم، ۱۶(۴). ۶۹-۸۳.

کرمانی، مهدی؛ اصغرپور ماسوله، احمدرضا؛ برادران کاشانی، زهرا (۱۳۹۷). همسرگزینی دختران جوان: کشاکش فردیت در برابر ارزش‌های سنتی. فصلنامه خانواده‌پژوهی. سال چهاردهم. ۵۵(۳)، ۳۰۳-۳۲۶.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب. چاپ بیست و نهم، تهران: انتشارات صدرا.

نوغانی دخت‌بهمنی، محسن؛ محمدی، فردین (۱۳۹۵). گرایش به ارتباط با جنس مخالف: مطالعه‌ای در باب نوجوانان پسر مشهد. فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، ۱۷(۱)، ۱۸۴-۱۶۳. هاشمی، سیده فاطمه (۱۳۹۰). بررسی روان‌شناسانه بحران هویت و راه درمان آن در قرآن و روایات. پایان‌نامه کارشناسی رشته علوم قرآن مجید. دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن شیراز.

هوشنگی، حسین؛ امین‌ناجی، محمدهادی؛ جمشیدی‌راد، محمدصادق؛ موسایی‌پور، محبوبه (۱۳۹۳). اهمیت و جایگاه عشق بین همسران در سبک زندگی اسلامی-ایرانی. دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، ۷(۲)، ۱۴۳-۱۱۷.

Arsenio, W.F., Gold, J., & Adams, E. (2006). *Children's conceptions and displays of moral emotions*. In M. Killen & J. G. Smetana (Eds.), *Handbook of moral development* (pp. 581-610). Mahwah, NJ: Erlbaum.

Baird, S., Chirwa, E., McIntosh, C., & Ozler, B. (2010). *The short-term impacts of a schooling conditional cash transfer program on the sexual behavior of young women*. *Health Economics*, 19(Suppl. 1), 55-68.

Bauman, Z. (2003). *Liquid love*. Polity Press in association with Blackwell Publishing Limited, Oxford.

Bauman, Z. (2007). *Consuming Life*. Polity Press.

Bauman, Z., Jacobsen, M. H., & Tester, K. (2014). *What use is sociology?: conversations with Michael Hviid Jacobsen and Keith Tester*. John Wiley & Sons

Bruno, S., Lutwak, N., & Agin, M.A. (2009). *Conceptualizations of guilt and the corresponding relationships to emotional ambivalence, self-*

- disclosure, loneliness and alienation*. Journal of Personality and Individual Differences, 47, 487–491.
- Burack, Jacob A., Gurr, Erin., Stubbert, Emily., & Weva, Vanessa. (2018). *Personality development among Indigenous youth in Canada: Weaving together universal and community-specific perspectives*. New Ideas in Psychology. PP: 1-8.
- Buunk, B. P., Dijkstra, P., Fetchenhauer, D., & Kenrick, D. T. (2002). *Age and gender differences in mate selection criteria for various involvement levels*. Personal Relationships, 9(3), 271-278.
- Chaundy, Leslie. M. (2013). *Religious Cognitive Belief, Emotional Attachment, and Behavioral Commitment and its Relationship with the Self-Regulation of Adolescents*. PCOM Psychology Dissertations. Paper. Philadelphia College of Osteopathic Medicine, Department of School Psychology. Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Psychology.
- Eriksson, Elisabet; Lindmark, Gunilla; Axemo, Pia; Haddad, Beverley & Beth Maina Ahlberg (2011). "Faith, Premarital Sex and Relationship: Are Church Messages in Accordance with the Perceived Realities of the Young? A Qualitative Study in Kwazulu Natal, South Africa", Journal of Religion and Health, Vol. 102, No. 4, pp. 581-589.
- Fisher, M. L., Woth, K., Garcia, J. R., & Meredith, T. (2012). *Feelings of regret following uncommitted sexual encounters in Canadian university students*. Culture, Health, and Sexuality, 14, 45–57.
- Fletcher, G. J., Kerr, P. S., Li, N. P., & Valentine, K. A. (2014). *Predicting romantic interest and decisions in the very early stages of mate selection: Standards, accuracy, and sex differences*. Personality and Social Psychology Bulletin, 40(4), 540-550.
- Fowler, A.C. (2007). *Love and marriage through the lens of sociological theories*. Journal of the sociology of self-knowledge, 2, 61-72.
- Gelik, Kezban (2018). *Unmarried women with closed "windows of opportunity": Professional women's reasons for not getting married*. Women's Studies International Forum 66, pp 48–55.
- Ghani, S; S. Abdolla; M. Sharifah. & Nordin, S. (2014). *Muslim Adolescents Moral Value and Coping Strategy among Muslim Femal Adolescent in Premarital Sex*. Procedia-Social and Behaviorial Sciences. 114: 427-433.
- Giddens, A. (1992). *The transformation of intimacy: Sexuality, love. And eroticism in modern societies*. Stanford University Press.
- Graaf, H de, Van de Schoot, A.G J, Woertman, L, Hawk, S.T., Meeus, Wim. (2011). *Family Cohesion and Romantic and Sexual Initiation: A Three Wave Longitudinal Study*. Journal of Youth Adolescence, 41, 583-92.

- Guo, Siying. (2018). *A model of religious involvement, family processes, self-control, and juvenile delinquency in two-parent families*. Journal of Adolescence, Volume 63, pp 175-190.
- Hatfield, E., Rapson, R. L., & Martel, L. D. (2007). *Passionate love and sexual desire*. In S. Kitayama & D. Cohen (Eds.), Handbook of cultural psychology. New York: Guilford Press. pp. 760-779.
- Hung-Lin Tao (2020). *Gender-roal ideology and height preference in mate selection*. Economics & Human Biology. V39, 69-78.
- Kabiru, c. W. & p., Pinas, (2009). *factors associated with sexual activity among high- school students in Nairobi, Kenya*. Journal of Adolescence, v 32, p. 1023–1030.
- Lee, Y. M., Florez, E., Tariman, J., McCarter, S., & Riesche, L. (2015). *Factors related to sexual behaviors and sexual education programs for Asian-American adolescents*. Applied Nursing Research, 28(3), 222–228..
- Lewis, K. (2016). *Preferences in the early stages of mate choice*. Social Forces, 95(1), 283-320.
- Lin, JLL., Chan, M., Kwong, K., Au, L (2018). *Promoting positive youth development for Asian American youth in a Teen Resource Center: Key components, outcomes, and lessons learned*. Children and Youth Services Review 91, 413-423.
- Maliki, A. E. (2009). *Determinants of mate selection choice among university students in south-south zone of Nigeria*. Edo Journal of Counseling, 2(2), 165-174.
- Mattingly, B. A., Wilson, K., Clark, E. M., Bequette, A.W., & Weidler, D. J. (2010). *Foggy Faithfulness: Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample*. J FAM Issues, 31(11): 1465– 1480.
- Neto, Felix (2015). *Revisiting correlates of sociosexuality for men and women: The role of love relationships and psychological maladjustment*. Personality and Individual Differences 83106–110.
- Normi Binti, Abdul Malek (2016). *Is Cohabitation an Alternative to Marriage?* Procedia - Social and Behavioral Sciences, Volume 219, 31 May 2016, Pages 12-18.
- Runcan. P. L. (2012). *The time factor: does it influence the parent-child relationship?* Procedia-social and behaviorl sciences, 33, 11-14.
- Sanagoo, M. (2013). *Relationship between communication patterns between men and women due to religious adherence and marital satisfaction in couples relationships*. Psychology and Religion, 6(1): 91-109.
- Sari, O. (2010). *Tourism as a Tool for Development: The Case of Mawlana Tourism in Konya*. PhD Thesis. Middle East Technical University.

- Seiffge – Krenke, I., Overbeek, G., Vermulst, A. (2010). *Parent-child relationship trajectories during adolescence: Longitudinal associations with romantic outcomes in emerging adulthood*, Journal of Adolescence, 33, 159-171.
- Sprecher, Susan. (2013). *Attachment style and sexual permissiveness: The moderating role of gender. Personality and Individual Differences*. 55 (2013) 428–432
- Sun, W. H., Miu, H. Y. H., Wong, C. K. H., Tucker, J. D., & Wong, W. C. W. (2018). *Assessing participation and effectiveness of the peer-led approach in youth sexual health education: Systematic review and meta-analysis in more developed countries*. Journal of Sex Research, 55(1), 31–44.
- Tangney JP, Stuewig J, Mashek DJ (2007) *Moral emotions and moral behavior*. Annu Rev Psychol 58:345–372
- Wie, G. Z; Wn, Y. Q.& Chen, X. Z. (2012). *The Timing of Sexual among Chinese Youth*. International Perspective on Sexual and Reproductive Health: 196-204.
- Xuanning Fu (2006). *Impact of socioeconomic status on inter-racial mate selection and divorce*. The Social Science Journal 43. 239–258.
- Zou, J. Y., Park, D. S., Burchard, E. G., Torgerson, D. G., Pino-Yanes, M., Song, Y. S., ... Zaitlen, N. (2015). *Genetic and socioeconomic study of mate choice in Latinos reveals novel assortment patterns*. Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America, 112(44), 13621-13626.

